



کارکردشناسی پیشگویی های فرد محور در سیره امام علی (علیه السلام)

دریافت: ۱۴۰۳/۱/۵ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۹

علیرضا جانعلی زاده چناری

چکیده

در باور شیعیان ائمه اطهار دارای علم لدنی بوده و بر مبنای آن اشراف بر امور گوناگون داشته‌اند که از مصادیق آن پیشگویی بوده است. یکی از مسائل قابل تحقیق در سیره امام علی (علیه السلام) کارکردشناسی پیشگویی های صادر شده در شرایط گوناگون اجتماعی ناظر به افراد مختلف بوده است. مسئله پژوهش حاضر آن است که کارکرد پیشگویی های فرد محور در سیره امام علی (علیه السلام) چه می‌تواند باشد؟ کارکردشناسی از طرفی بیانگر تمایز علم امام علی (علیه السلام) در مقایسه با صحابه و خلفا، همچنین موجب درک اختصاصات ایشان در هدایت انسان‌ها و جوامع بوده است که کارکردهایی از جمله، آماده سازی اصحاب نسبت به استقامت در مقابل دشمنان، گسترش باور به جایگاه علم امام، اثبات و تثبیت حقانیت امام، معیار سنجی برای شناخت دشمن، فرجام شناسی خلافت در نسل خلفای نخستین، تحذیر و هشدار دهی نسبت به افراد منحرف، شناساندن عناصر ضد اهل بیت (علیهم السلام) و پیامدشناسی عدم همراهی با امام جامعه اسلامی بوده است. در پایان به این نتیجه رسیده است که با توجه به نقش آفرینی افراد در حوادث تاریخی، امام علی (علیه السلام) با نگاه آینده نگر در قالب پیشگویی به هدایت‌گری پرداختند.

این تحقیق از سنخ پژوهش های تاریخی به صورت کتابخانه‌ای با روش توصیفی تحلیلی انجام گردیده است.

کلیدواژه‌ها: پیشگویی، امام علی (علیه السلام)، آینده نگری، علم.

مقدمه

به باور شیعیان، امامت منصبی الهی و امام حافظ شریعت و پاسخگوی تمام نیازهای دینی امت است. بنابراین شخص امام باید دارای ویژگی‌های ممتازی باشد تا هدایت جامعه را به نیکوترین وجه انجام دهد. یکی از ویژگی‌های مهم بیان شده درباره خصوصیات امام، علم و دانش بوده است. نیاز امت به امام ایجاب می‌کند که امام برای هدایت و راهنمایی مردم در حوادث گوناگون، دارای آگاهی و علم باشد. به اعتقاد علمای امامیه، امام علاوه بر دارا بودن علم، باید نسبت به همه مردم اعلم باشد؛ طوری که در تمامی اموری که در هدایت امت مورد نیاز و موثر است، آگاه‌تر از دیگران باشد. (طبرسی نوری، ج ۲: ۲۱۱؛ حمصی رازی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲: ۲۹۰). بنابراین مصداق آگاهی و علم از حوادث گوناگون، پیشگویی‌های صادر شده از امام است. این علم و آگاهی اکتسابی نبوده بلکه از آن تعبیر به علم لدنی شده است. علم لدنی دانشی است که مستقیماً و بدون واسطه از خداوند دریافت می‌شود (نراقی، ۱۳۷۸: ۴۹۹). شهید مطهری منشأ علم لدنی را تعبیر قرآن در عبارت «وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف، ۶۵) دانسته است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۳۰).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به علم لدنی ائمه اطهار در موارد مختلف تصریح داشته و فرموده اند: «إِنَّ آلَ مُحَمَّدٍ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَالْأَلِّ يَبْتِ الرِّحْمَةَ وَمَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ» (ابن اثیر، ۱۴۱۴ ق، ج ۳: ۱۹۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۲۸۳). ذکر وصف «معدن العلم» در کنار «موضع الرساله» بیانگر این است که علم ائمه اطهار صرفاً علم فراوان نبوده و از جانب خداوند می‌باشد. در نقلی تعلیم علوم مختلف به امام علی (علیه السلام) به واسطه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اشاره شده که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا الْفَ بَابٍ يَفْتَحُ مِنْ كُلِّ بَابٍ الْفُ بَابٍ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۲: ۳۶). همچنین به گزارش منابع خاصه و عامه، شخصیت علمی امام علی (علیه السلام) مورد تصریح شخص رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار داشته است: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ» (ابن اثیر، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۲۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ ق، ج ۳: ۱۱۰۲). در ادامه امام علی (علیه السلام) تصریح به علم و دانش خود نموده و فرمودند: «فَأَسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا

تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ السَّاعَةِ وَلَا عَنْ فِتْنَةٍ تَهْدِي مِائَةً وَتُضِلُّ مِائَةً إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِنَاعِقِهَا وَقَائِدِهَا وَسَائِقِهَا وَمُنَاحِ رِكَابِهَا وَمَحْطِّ رِحَالِهَا وَمَنْ يُقْتَلُ مِنْ أَهْلِهَا قِتْلًا وَمَنْ يَمُوتُ مِنْهُمْ مَوْتًا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۳۷).

علاوه بر آنچه بیان شد، گستره علم امامان معصوم در اقوال مختلف بیان شده که به عنوان نمونه می‌توان به سخن امام صادق (علیه السلام) در پاسخ ابوبصیر اشاره نمود که فرمودند: «علم کامل در هر شبانه روز در مسائل مختلف، ساعت به ساعت بر قلب ائمه اطهار افزانه می‌گردد و آنان در پرتو آن بر همه مسائل آگاه می‌شوند.» (کلینی، ۱۳۴۲، ج ۱: ۲۳۹) بنابراین افزانه بدون کسب دانش در همه مسائل از جمله حوادث گوناگون، شاهدی بر علم لدنی ائمه اطهار و لزوم مراجعه به امام در راستای دانش‌افزایی را یادآور شده است؛ فلذا می‌توان این علم خاص را در ابعاد گوناگون آن مورد پژوهش و بررسی قرار داد.

گرچه این موضوع از حیث بعد علم لدنی اهل بیت (علیهم السلام) ناظر به پیشگویی، رویکرد کلامی نیز در شناخت ویژگی‌های امام در بر دارد؛ اما در این تحقیق نمی‌خواهیم از حیث کلامی به خصائص امام پرداخته شود؛ بلکه با رویکرد تاریخی اجتماعی بررسی می‌شود تا کارکردهای آن را استخراج نماییم. همچنین کارکردهای تعریف شده برداشت شخصی نبوده بلکه در راستای جایگاهی که اهل بیت (علیهم السلام) برای خودشان در جامعه معرفی نموده‌اند صادر گردیده است که می‌توان به معرفی حضرت علی (علیه السلام) و دستگاه امامت توسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در عبارت «منار الهدی» (ابن بابویه، ۱۴۱۷ق: ۱۸۴) اشاره نمود. به عبارت دیگر تبیین جایگاه امامت در قالب‌های مختلفی جهت هدایت‌گری و احیای سنت نبوی در سیره امام علی (علیه السلام) محقق شده که یکی از موارد آن پیشگویی بوده است. همچنین کارکردهای پیشگویی در موارد متعددی پیامدهای وقوع یافته و اثرگذار در جامعه ناظر به افراد مختلف بوده که با بررسی زمینه‌های صدور و نقش آفرینی افراد می‌توان به کارکردشناسی دست یافت.

گزارش‌هایی که در خصوص پیشگویی‌های امام به دست رسیده، گاه مربوط به افراد است و گاه در مورد جریان و اماکن بوده است. همین موضوع ابعاد بحث را متکثر و

متنوع می‌سازد؛ اما در این تحقیق به پیشگویی‌های ناظر به افراد پرداخته می‌شود. بنابراین در این نوشتار می‌کوشیم بخشی جزئی از این موارد فراوان، که مرتبط با شخص امیرالمومنین علی (علیه السلام) و ناظر به افراد مختلف بوده را در نگاه کارکردشناسی بررسی نماییم. بر این اساس، پرسش پژوهش حاضر آن است که کارکردشناسی پیشگویی‌های فرد محور در سیره امام علی (علیه السلام) چه بوده است؟

مطالعه این‌گونه نقل‌های تاریخی، مسیری برای فهم علم لدنی اهل بیت (علیهم السلام) برای ما بوده که موجب شناخت بهتر پیشوایان دین گردیده و این خود در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و هر مکتبی یک اصل مهم به شمار می‌آید، زیرا طبیعت هر انسانی با شناخت کمالات رهبران خود به طرف آن‌ها جذب و علاقه او بیشتر شده و این علاقه معنایش اطاعت و هماهنگی با رهبران دینی است.

لازم به ذکر است پیشگویی‌های صادر شده از امام علی (علیه السلام) ناظر به افراد، با اراده انسان منافات ندارد؛ زیرا اطلاع رسانی، ابلاغ و تبیین از جانب امام که بُعد معرفتی و شناساندن بوده انجام گرفته اما بُعد ارادی و انتخاب مسیر با افراد می‌باشد.

پیش از این مسئله ای منطبق با پژوهش حاضر یافت نگردید. گرچه نسبت به سیره علوی در ابعاد مختلف تحلیل تاریخی صورت گرفته اما پیشگویی‌های امام تحلیل نشده و مورد بازشناسی قرار نگرفته‌اند. واصف (۱۳۸۹) در کتاب پیشگویی‌های امیرالمومنین (علیه السلام) از حوادث و فتنه‌ها صرفاً به توصیف پیشگویی‌های امام علی (علیه السلام) پرداخته است و نگاهی به کارکردها ندارد.

همچنین نجفی (۱۳۷۹) در کتاب پیشگویی‌های امیرالمومنین علی (علیه السلام) به صرف بیان گونه‌های پیشگویی در راستای اثبات حقانیت امام علی (علیه السلام) به صورت جزئی بیان نموده و به صورت تفصیل کارکردهای آن بیان نگردیده است.

مفهوم شناسی

در کتب لغت؛ عمل و کار شخص پیشگو، پیش گوینده، کهانت، غیب گویی و اخبار از آینده را «پیشگویی» گویند. (معین، ۱۳۸۶: ۶۹۵) واژه «ملاحم» نیز از جمله واژه‌هایی است که در زبان عربی در مفهوم «پیشگویی» به کار رفته است. «پیشگویی» بیشتر جنبه فرامادی دارد و در ارتباط با عالم غیب به کار می‌رود که بُعد معنوی و دینی دارد؛ همچنان که در زبان انگلیسی هم واژه پیامبر (Prophet) و پیشگویی (Prophecy) از یک ماده هستند. در واقع «پیشگویی» در جایی است که از طریق عادی دسترسی وجود ندارد؛ اما «پیش بینی» به معنای حدس زدن وقایع آینده از علل، اسباب و قرائن موجود می‌باشد. (معین، ۱۳۸۶: ۶۸۴) شاهد مثال عینی دیگری که می‌توان اشاره نمود، این است که در بیان وضعیت جوئی گفته می‌شود پیش بینی وضع هوا، اما نمی‌گویند پیشگویی وضع هوا! در واقع «پیش بینی» ناظر به علم عادی بشر، بر اساس قرائن و مادی است؛ اما «پیشگویی» در جایی است که به آن از طریق عادی دسترسی وجود ندارد و خاستگاه آن، علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام به صورت فرامادی بوده است.

واژه «کارکرد» به معنای عمل و کار انجام شده است (معین ۱۳۸۶: ۱۹۲۱). همچنین به معنای اندازه و مقیاس کار انجام شده آمده است (عمید، ۱۳۴۲: ۳۵۱). در لغت‌نامه دهخدا واژه راندمان به معنای بهره کارکرد، نتیجه کار و کوشش، میزان موفقیت در کار نقل شده است (دهخدا، ۱۳۳۷: ۹۵۶).

واژه «سیره» اسم مصدر از ریشه «س ی ر» و جمع آن سیر و سیرات است که به معنای مختلفی به کار رفته است. یکی از این معانی سنت، طریقه و روش است (معین ۱۳۸۶: ۶۴۹). همچنین دهخدا «سیره» را طریقه، هیأت و رفتار معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۳۷: ۷۵۷). بنابراین می‌توان سیره را نوع رفتار و سبک رفتار و منطق عملی نیز تعبیر کرد که هر فرد در شرایط گوناگون بر اساس آن عمل می‌کند. موارد پیشگویی که در این تحقیق به آن خواهیم پرداخت، یکی از سیره‌های امام علی علیه السلام بوده است.

یافته‌ها

پس از جست‌وجو و بررسی گفتارهای صادره از امام علی (علیه السلام) در قالب پیشگویی آنچه حاصل شده این است که پیشگویی بخشی از فرآیند هدایت‌گری امام به عنوان رهبر جامعه اسلامی نسبت به افراد مختلف از جمله افراد ارزشی و افراد ضد ارزشی بوده که کارکردهای آن در این تحقیق بررسی شده است.

۱. آماده سازی اصحاب نسبت به استقامت در مقابل دشمنان

با توجه به نقش فعال افراد در حوادث و مناسبات تاریخی و اجتماعی، بیشترین پیشگویی‌ها نسبت به افراد بیان گردیده، زیرا امام علی (علیه السلام) در شرایط مختلف برای افراد متفاوتی این پیشگویی‌ها را بیان فرمودند؛ که می‌توان آن‌ها را به دو دسته پیشگویی دربارهٔ افراد ارزشی و افراد ضد ارزشی تقسیم نمود. افراد ضد ارزشی، کسانی هستند که به مخالفت و مقابله با امام جامعه که محور ارزش در عالم هستی است اقدام نموده، اما افراد ارزشی کسانی هستند که مسیر تقوا را پیموده و طبق سفارش‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به تبعیت از امام جامعه پرداخته‌اند. برخی افراد ارزشی از خواص و صحابی امام بودند که در کارکرد آن می‌توان به آماده سازی اصحاب نسبت به استقامت در برابر دشمن اشاره کرد. این دعوت به صبر و استقامت از این جهت نبود که این اصحاب دارای صبر و استقامت نبوده‌اند بلکه از حیث تواضعی به صبر و دعوت به بالاترین درجه از مراتب صبر و استقامت در راه خدا جهت نصرت به ساحت مقدس امامت و ولایت بوده است. همچنین این دعوت به صبر در سخت‌ترین شرایط برای شیعیان بوده است به طوری که در زمان خلفاء، آزار و اذیت‌های شدیدی نسبت به پیروان ائمه معصومین به ویژه امام علی (علیه السلام) مشاهده شده، در حدی که آن‌ها را از دایره اسلام خارج و در موارد متعددی شکنجه و تحریم اقتصادی و تبعید کرده و به طرز فجیعی شکنجه یا اعدام و به شهادت رسانده‌اند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۸۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ۲۱۹؛ کشی، ۱۳۸۲: ۸۰). حضرت علی (علیه السلام) نسبت به برخی صحابی با پیشگویی از نحوه شهادت‌شان، آن‌ها را به صبر و استقامت در مقابل

دشمن جهت نصرت به ساحت مقدس امامت و ولایت فراخواندند. این پیشگویی در آمادگی روحی آن‌ها بسیار تاثیرگذار بود و حتی موقع دستگیری و اسیرشدن در برابر حکام ظالم و ستمگر از مرگ هراس نداشتند و با صلابت و اقتدار در برابر دشمنان ایستاده و شهادت در مسیر یاری امام را افتخاری ارزشمند برای خود ابراز می‌کردند.

لازم به ذکر است گرچه اصحاب از روحیه صبر و استقامت ابتدایی برخوردار بودند، اما پیشگویی امام موجب آماده سازی آنان برای دشواری و سختی‌های آتی گردید. به عنوان نمونه؛ وقتی جناب کمیل بن زیاد نخعی را دستگیر و به جرم محبت و دوستی با امام علی (علیه السلام) به او طعنه زدند، در پاسخ با صلابت و اقتدار، قاطعانه به حجاج بن یوسف گفت: آوازت را بر من درشت نکن و مرا به مرگ تهدید منما! وعده گاه خدا نزدیک است؛ مولای من علی (علیه السلام) اطلاع داده که تو کشنده من هستی! (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱ق، ج ۷: ۹۴؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳۲۳). این پاسخ قاطع و مقتدرانه همراه با روحیه استقامت و اهل صبر شدن و گذشتن از جان در مسیر یاری به ساحت مقدس ولایت و امامت را می‌توان به عنوان کارکرد پیشگویی امام اشاره نمود.

علاوه بر این، وقتی جناب قنبر دستگیر گردید به حجاج بن یوسف گفت: امام علی (علیه السلام) به من خبر داده که تو مرا مظلومانه سر خواهی بریدی! (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۷۵). این جمله بیانگر آمادگی جناب قنبر با بیانات امام در برابر اقدام دشمنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده است.

کارکرد آماده سازی اصحاب در قالب پیشگویی امام علی (علیه السلام) نسبت به برخی اصحاب موجب شده بود تا افراد ارزشی در حضور امام اعلام وفاداری و پایداری نمایند. وقتی امام علی (علیه السلام) به حجر بن عدی فرمود: ای حجر، چه خواهی کرد وقتی از تو بخواهند از من برائت بجویی؟ پیشگویی امام حاکی از حوادثی بود که در آینده برای حجر رخ خواهد داد و از وی خواهند خواست که از امام اعلام برائت کند که همین‌گونه هم واقع شد. حجر با صداقت گفت: «به خدا ای امیرالمؤمنین، اگر با شمشیر مرا قطعه قطعه کنند و در آتش بیفکنند این‌ها باعث نخواهد شد که از تو برائت جویم!» امام از ولایت‌پذیری و اخلاص

او تشکر کرد. حجر به عهد خود با امام وفادار بود و اخلاص خود را ثابت کرد. پس از مدتی وقتی معاویه از او خواست که برائت خود را از امام علی (علیه السلام) اعلام کند؛ حجر حاضر به این کار نشد و حکم اعدام او در «مرج عذرا» اجرا شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۶: ۲۱۹). عدم اعلام برائت و ایستادگی جناب حجر بن عدی در برابر دشمنان امام علی (علیه السلام) شاهدی بر تحقق پیشگویی امام بود که موجب آماده سازی او برای جانفشانی مقابل دشمنان در راستای نصرت ساحت مقدس امامت و ولایت شد.

۲. گسترش باور به جایگاه علم امام

مشاهده انشقاق و انشعاب مسلمانان پس از رحلت رسول خدا ﷺ شاهدهی بر تردید و کاهش باور به مبانی حقیقی اسلامی بود. گروهی در راستای کسب قدرت راه خود را از سایر مسلمانان جدا کرده، منشأ گسست در جامعه اسلامی شدند. با توجه به علم لدنی اهل بیت (علیهم السلام)، امام علی (علیه السلام) در قالب پیشگویی تلاش کردند تا باور به جایگاه علم امامت و حقانیت ائمه اطهار گسترش یابد. به عبارت دیگر محقق شدن پیشگویی در جامعه‌ای که آن را باور نداشت و به تمسخر آن پرداخت، موجب شد تا باورمندی عمومی جامعه به علم امام علی (علیه السلام) صورت گیرد؛ زیرا وقتی امام نسبت به واقعه‌ای که هنوز رخ نداده اظهار اطلاع و پیشگویی کردند، برای افراد بسیاری که اعتقادی به علم امام معصوم نداشتند قابل پذیرش نبود؛ فلذا پس از تحقق آن در موارد متعدد، باور به جایگاه علم امام گسترش یافته و باورمندی عمومی در جامعه تحقق می‌پذیرد. به عنوان نمونه؛ وقتی میثم تمار در میان جمعی، خبر شهادت خود را بیان کرد، با تکذیب همراه با تمسخر حاضران مواجه شد (کشی، ۱۳۸۲: ۷۸)؛ ولی این پیشگویی همان طور که میثم تمار از امام شنیده بود محقق شد؛ زیرا امام علی (علیه السلام) فرموده بودند: «به خدا قسم روزی را می‌بینم که به خاطر دوستی تو با من، دست و زبانت را می‌برند و تو را از نخل آویزان می‌کنند.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۲۹۱؛ مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۳۲۳). در نهایت ابن زیاد از طرف یزید بن معاویه، خلیفه اموی (۶۰ تا ۶۴ ق)، مأمور شد میثم تمار را که می‌دانست از دوستان و طرفداران جدی حضرت علی (علیه السلام) است، به دار بیاویزد. بنابراین تحقق پیشگویی نسبت

به نحوه شهادت میثم تمّار، موجب گسترش باور به جایگاه امام علی (علیه السلام) شد. تحقق این پیشگویی همراه با سایر پیشگویی‌های دیگر میثم تمار در بازه زمانی قبل از شهادت، در ترویج باور به جایگاه علم امام علی (علیه السلام) موثر بود. به عنوان نمونه، پیشگویی میثم از مرگ معاویه، خبر شهادت امام حسین (علیه السلام) برای زنی مکی به نام جبلة، پیشگویی شهادت حبیب بن مظاهر و خبر آزادی مختار از زندان از مصادیق آن بوده است (کشی، ۱۳۸۲: ۷۰؛ ابن بابویه، ۱۴۱۷ ق: ۱۲۷؛ خوئی، ج ۵: ۲۰۲). پیشگویی‌های میثم در میان مردم آن چنان معروف بود که موجب مشهور شدن به صاحب علم منایا و بلایا گردید (مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۱: ۳۲۲). بنابراین پیشگویی‌های ذکر شده همراه بیان خبر از جزئیات شهادت خود به عنوان صحابی امام علی (علیه السلام)، موجب گسترش باور مردم در جایگاه علم امام شد.

۳. معیارسنجی برای شناخت دشمن

با توجه به وجود فتنه‌های مختلف در دوران مورد بحث، یکی دیگر از کارکردهایی که در پیشگویی امام ناظر به افراد می‌توان اشاره کرد، بیان معیاری جهت سنجش و شناخت دشمن بوده است. بدین معنا که امام علی (علیه السلام) با پیشگویی از کشته شدن صحابی شاخص هدایت‌گر که مقبولیت عمومی و نفوذ اجتماعی در امت اسلامی داشتند توسط دشمنان اسلام، چهره واقعی دشمن را آشکار نمودند. برای این مهم امام علی (علیه السلام) همانند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این صحابی را معیار حق و قاتل آنان را اهل جهنم معرفی نمودند. از جمله این افراد، صحابی جلیل القدر جناب «حجر بن عدی» است که صاحب منزلت نزد پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) بود و در زهد و تقوا و عبادت اشتهار داشت. به نقل اهل تاریخ و حدیث، او را «حجر الخیر» می‌خواندند و مستجاب الدعوة بود (ابن اثیر ۱۴۱۵ ق: ج ۱: ۳۸۶). حجر بن عدی در میان مردم چهره‌ای جلیل القدر و دارای شخصیتی اجتماعی و صاحب نفوذ بود که در فتوحات اسلامی نقش برجسته‌ای داشت. بنابر نقلی امام علی (علیه السلام) خطاب به مردم عراق در مورد کشته شدن حجر بسان اصحاب اخدود اشاره کرده و فرمودند: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ سَيُقْتَلُ مِنْكُمْ سَبْعَةٌ نَفَرٍ بَعْدَ زَاءِ مَثَلِهِمْ كَمَثَلِ أَصْحَابِ الْأَخْدُودِ فَقَتِلَ حُجْرٌ وَأَصْحَابُهُ» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق: ج ۱۲: ۲۲۷؛ ثقفی کوفی، ۱۳۹۵ ق: ج ۲:

۸۱۵: ابن کثیر، ۱۳۹۸ق، ج ۸: ۵۵). پس از مدتی همان‌طور که امام علی (علیه السلام) فرموده بودند محقق شد. در نقلی دیگر آمده است: «چون حجر و یارانش به قریه مرج عذراء در دوازده میلی دمشق رسیدند، معاویه فرمان قتل آنان را صادر کرد!» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ۲۱۹؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۱۸۹).

همچنین به روایت مسعودی، جناب حجر بن عدی نخستین مسلمانانی بود که دست بسته و به اسارت کشته شد (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۱۸۸).

در ادامه، عایشه پیشگویی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) درباره قاتلینی که با کشتن افرادی در منطقه عذراء خشم خدا را برافروخته یادآوری و اشاره کرد و به معاویه گفت: «بَلَّغْنِي عَنِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) أَنَّهُ سَيُقْتَلُ بِعَذْرَاءٍ أُنَاسٍ يَغْضَبُ اللَّهُ لَهُمْ وَأَهْلُ السَّمَاءِ» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲: ۲۲۶).

علاوه بر آنچه بیان شد، امام حسین (علیه السلام) نسبت به اقدام معاویه در کشتن حجر بن عدی فرمودند: «الْأَسْتَقَاتِلُ حُجْرًا، وَأَصْحَابَهُ الْعَابِدِينَ الْمُحِبِّينَ، الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَفْظِعُونَ الْبِدْعَ، وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَقَتَلْتَهُمْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، مِنْ بَعْدِ مَا أُعْطِيَتْهُمْ الْمَوَاطِقَ الْغَلِيظَةَ وَالْعُهُودَ الْمُؤَكَّدَةَ، جُرْأَةً عَلَى اللَّهِ وَاسْتِخْفَافًا بِعَهْدِهِ» (ابن قتیبه، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۰۳).

تاثیر کشته شدن حجر بن عدی به دستور معاویه در جامعه و بلاد اسلامی، سرزنش‌های گسترده و نفرت امت اسلامی بر علیه قاتلین حجر را به همراه داشته و خشم جامعه اسلامی را برانگیخت زیرا با شهادت مظلومانه او، حرمت اسلام درهم شکسته شد. برخی از افراد سرشناس مسلمان با شنیدن شهادت حجر بن عدی اعتراض خود را آشکار ساختند که علاوه بر موارد فوق، می‌توان به حسن بصری اشاره نمود. او پس از شنیدن خبر شهادت حجر بن عدی، به گناه بزرگی که معاویه مرتکب شده بود، اذعان داشت و گفت: «فَيَا وَيْلًا لَهُ مِنْ حُجْرٍ!» (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳: ۴۸۷). آن قدر بیان پیشگویی درباره شهادت او برای مردم واضح است که پس از کشتن او، افرادی از نزدیکان معاویه و کسی مانند مالک بن هُبَیره هم به معاویه اعتراض کرد و گفت: «به کار زشتی دست زده است.»

(ابن قتیبه، ۱۳۷۳: ۲۲۴).

لازم به ذکر است گرچه در عمل در آن بازه زمانی، معاویه هنوز هم مورد احترام بوده و جایگاه داشته؛ اما بخشی از تنفر عمومی ذیل همین حوادث از جمله کشتن حجر بن عدی صورت گرفته و زمینه سازی نارضایتی های بعدی بر علیه معاویه شده که از مصادیق آن، اعتراض در جانشینی یزید قابل مشاهده بوده است (یعقوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۲۲۸).

۴. اثبات و تثبیت حقانیت امام

یکی دیگر از کارکردهای پیشگویی امام علی (علیه السلام) نسبت به افراد، اثبات حقانیت امام بوده است. با توجه به شبهه افکنی و اقدامات جریان های مخالف، امام علی (علیه السلام) به اثبات حقانیت خود در قالب پیشگویی پرداختند. از جمله این موارد افشای هویت یک فرد جاسوس برای فرد منجم و ستاره شناس بوده است. سعید بن جبیر که از یاران باوفای امام سجاد (علیه السلام) بوده، نقل کرده است: یکی از دهقان های ایرانی که ستاره شناس بود، وقتی حضرت برای جنگ با خوارج نهروان خارج می شد، به نزد ایشان آمد و گفت: یا علی! ستاره های نحس و شومی طلوع کرده است و در مثل این روز، شخص حکیم باید خود را پنهان کند، و امروز برای شما روز سختی است. دو ستاره به هم رسیده اند و از برج شما آتش شعله ور است و جنگ برای شما موقعیت ندارد! حضرت علی (علیه السلام) فرمود: وای بر تو ای دهقانی که از علائم خبر می دهی و ما را از سرانجام کار می ترسانی، آیا می دانی جریان صاحب میزان و صاحب سرطان است؟ آیا می دانی اسد چند مطلع دارد؟ مرد منجم اسطرابی را که در آستین داشت درآورده و به بررسی و محاسبه پرداخت. حضرت علی (علیه السلام) لبخندی زد و فرمود: آیا میدانی شب گذشته چه حادثی رخ داد؟ در چین خانه ای فرو ریخت، برج ماجین شکاف برداشت، فرمانده ارتش روم از ارمینیه شکست خورد، بزرگ یهود ناپدید شد، مورچه گان در سرزمین مورچه ها به هیجان آمدند، پادشاه آفریقا نابود شد، آیا تو این حوادث را می دانی؟ مرد منجم گفت: خیر. حضرت فرمود: «در هر عالمی هفتاد هزار نفر دیشب به دنیا آمد و امشب همین تعداد خواهند مُرد. در ادامه حضرت با دست

خود به مردی به نام سعد بن مسعده حارثی که جاسوس خوارج در لشکر حضرت علی (علیه السلام) بود اشاره نمود که جزء همین اموات خواهد بود! آن مرد جاسوس وقتی حضرت به او اشاره کرد، گمان نمود ایشان دستور دستگیری او را داده است، بنابراین در همان حال از ترس جان داد. مرد منجم با مشاهده عکس العمل جاسوس و پیشگویی امام از جان دادنش در نهروان، به سجده افتاد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۳۵۵). این پیشگویی موجب اثبات حقانیت امام برای منجم شده و به حقانیت امام معترف گردید.

علاوه بر این، پیروان ائمه اطهار افرادی از اصحاب و اطرافیان بودند که اعتقاد به امامت این بزرگواران داشته و برایشان اثبات شده بود؛ اما سطح معرفت و یقین‌شان در مرتبه اعلی نبوده، بلکه همراه با شک و تردید بوده است. این شک و تردید در طول تاریخ در میان برخی اطرافیان و پیروان اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه امام علی (علیه السلام) بدلیل عدم معرفت عمیق وجود داشته که امام در قالب پیشگویی در مراحل مختلف به هدایت‌گری و تثبیت ساحت مقدس امامت و ولایت پرداختند. به عنوان نمونه؛ امام علی (علیه السلام) در بین جمعی از اصحاب در قالب پیشگویی از آمدن جنازه یکی از مومنین از راه دور، کارکرد تثبیت حقانیت را در چند لایه دنبال نمودند تا تفکر و کنجکاوی آن‌ها را برانگیخته و نور قلبی آنان روشن گردد. حضرت در لایه اول از آمدن جنازه ای در زمین نجف بعد از سه روز را شرح داده، سؤال می‌کند آیا آنچه را من می‌بینم شما می‌بینید؟ سوال از دیدن کنایه به این نکته است که ائمه با دیگران از حیث علوم الهی متفاوت هستند و نسبت به اموری علم دارند که دیگران از آن بی‌خبرند. این سوال و پیشگویی دقیق از جزئیات آمدن جنازه ای که بعد از سه روز محقق شد، شاهد این مدعاست. در لایه دوم امام، علت آمدن را از آوردگان جنازه به زمین نجف سوال نموده که آن فرد در پاسخ می‌گوید: پدر ما هنگام مرگ وصیت کرد که پس از غسل و کفن و نماز، مرا بر شتر بگذارید و در عراق در نیزار کوفه (نجف) به خاک بسپارید. در لایه سوم حضرت جهت تبیین حقانیت امامت برای اطرافیان، از آن جوان علت آمدن از راه دور جهت دفن در این سرزمین را سوال نمودند که در پاسخ گفتند: زیرا پدر ما گفت: در آن مکان مردی به خاک سپرده می‌شود که اگر روز قیامت برای تمام اهل محشر شفاعت کند پذیرفته خواهد شد. پس از این سه لایه، حضرت علی (علیه السلام) از جا

برخواست و فرمود: راست گفت، به خدا قسم که منم آن مرد! (حرّعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۳: ۴۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱: ۳۵۸). در نتیجه پیشگویی امام در سه لایه ناظر به احاطه علم امام و شرافت سرزمین نجف به وجود مقدس‌شان در جمع اصحاب، کارکرد تثبیت حقانیت ساحت مقدس امامت و ولایت را دنبال کرده‌اند.

۵. فرجام‌شناسی خلافت در نسل خلفای نخستین

در همه جوامع، حتی جامعه‌ای که معصوم در آن حاکم است، افرادی هستند که باراه خدا و مردان خدا و ارزش‌های الهی و انسانی، همسو و همراه نیستند؛ چه در جایگاه اکثریت و چه در جایگاه اقلیت. از زمانی که رسول خدا ﷺ در مدینه النبوی، جامعه کوچک اسلامی را تأسیس نمود؛ تا زمانی که امام علی (علیه السلام) به عنوان حاکم اسلامی در ادوار بعدی نقش آفرین بودند، معاندان و افراد ضدّ ارزشی گوناگون در مواجهه با ایشان بودند که در جایگاه حاکمیتی و غیرحاکمیتی قرار داشتند. امام علی (علیه السلام) با توجه به طغیان و دنیا طلبی انسان‌ها در برخی امور به ویژه در اموری که به عنوان ریشه و اساس موجب انحراف جامعه و جدایی امت اسلامی از ولیّ خدا خواهد شد، در قالب پیشگویی فرجام اعمال ناپسند و نرسیدن به اهداف شوم آنان را بیان نمودند. این پیشگویی بیانگر تمایز علم امام نسبت به خلفاء بوده است. به عنوان نمونه، وقتی به دستور ابوبکر و عمر، با جبر و تزویر برای بیعت، امام علی (علیه السلام) را سوی مسجد می‌بردند، احتجاجات متعددی از بیانات رسول خدا ﷺ را به آن‌ها یادآوری نمود اما قبول نکردند؛ بنابراین امام با مشاهده عدم وفای مردم، خطاب به ابوبکر و عمر در قالب پیشگویی فرمودند: «بخدا سوگند هیچ‌یک از نسل شما تا قیامت به حکومت نخواهند رسید و خلافت را عهده دار نمی‌شوند.» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۱۰). فرزندان پسر ابوبکر بنابر آنچه که ابن سعد در طبقات آورده است عبارتند از: عبد الله و اسماء ذات النطاقین که مادر آنان، قتیلہ دختر عبدالعزی بود. در ادامه عبدالرحمن و عایشه که مادر آن دو، ام رومان دختر عامر بوده است، همچنین محمد بن ابی بکر که مادرش اسماء بنت عمیس می‌باشد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۴۶).

علاوه بر این طبری برای عمر بن خطاب رضی الله عنه پسر ذکر نموده است (طبری، ج ۳: ۲۶۹؛ مسعودی: ۲۵۱). اما این پیشگویی حضرت محقق شد و با توجه به تعدد فرزندان خلفای نخستین، هیچ کدام آن‌ها به خلافت نرسیدند و حضرت با بیان خود، فرجام شناسی خلافت در نسل خلفای نخستین را بیان نمودند تا نتیجه اعمال و رفتار خود را دانسته و اتمام حجتی برایشان باشد.

همچنین تحقق پیشگویی امام علی (علیه السلام) کارکرد فراعصری برای دوران بعد از خلفا بوده که عدم تحقق موروثی شدن خلافت از نسل آنان را گوشزد نمود تا بدانند به این هدف خود نخواهند رسید. گرچه پس از دوران خلفاء، معاویه با قرار دادن فرزند خود یزید، خلافت را در قالب حکومت موروثی مستقر کرد (مسعودی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۱۸۴)؛ اما استمرار خلافت اموی هم پس از مدتی پایان یافت.

۶. تحذیر و هشداردهی نسبت به افراد منحرف

در طول تاریخ، برخی افراد نقش بسزایی در موفقیت و یا شکست یک جامعه داشته‌اند که گاهی خسارت و هزینه‌های جبران ناپذیری را به ملل اسلامی تحمیل کرده‌اند. منشا فسادهای این افراد روحیه دنیا طلبی، حب مال، مقام و انگیزه‌های شهوانی بوده است. امام علی (علیه السلام) در قالب پیشگویی با ابزار هشدار و تحذیر به مقابله با خطر مهلک این افراد پرداختند تا در مواردی بلکه پند گیرند و از آن فعل منکر دست بردارند و زمینه شقاوت خود و جامعه را فراهم نکنند. از جمله این افراد عبدالله بن زبیر بوده که با توجه به انتساب او به پدرش زبیر و جدش ابوبکر دارای منزلت و جایگاه نزد مردم بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۳: ۱۲۵). امام علی (علیه السلام) در قالب پیشگویی نسبت به او فرمودند: «ضَبُّ، يَرُومُ امْرَأًا وَلَا يُدْرِكُهُ، يَنْصَبُ حَبَالَةَ الدِّينِ لِأَضْطِيَادِ الدُّنْيَا، وَهُوَ بَعْدُ مَصْلُوبٌ قُرَيْشٍ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۷: ۹۲). در این پیشگویی از شکستن حرمت کعبه، قصد آتش زدن و از بین بردن بنی هاشم، همچنین بهره برداری از دین به جهت رسیدن به مقاصد دنیوی و در انتها به دارآویخته شدن عبدالله بن زبیر نقل شده که در نهایت همگی محقق گردید. با

توجه به یادآوری این پیشگویی‌ها توسط افراد متعدد، کارکرد تحذیر و هشدار دهی برای عبدالله بن زبیر قابل ذکر است، تا در فتنه‌های مختلف جامعه اسلامی را به انحراف نبرده و از آن پیشگیری شود. احمد بن حنبل در مسند خویش چنین روایت می‌کند: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا إسماعيل بن أبان الوزاعي ثنا يعقوب عن جعفر بن أبي المغيرة عن ابن أبي زري عن عثمان بن عفان قال له عبد الله بن الزبير حين حضران عندي نجائب قد أعددتها لك فهل لك ان تحوّل إلى مكة فيأتيك من أراد أن يأتيك قال لا إني سمعت رسول الله يقول يُلحد بمكة كبش من فريش اسمه عبد الله عليه مثل نصف أوزار الناس» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۵۱۹؛ صفدی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷: ۹۲). این نقل بیانگر این است که حتی عثمان هم در شرایط سخت محاصره، این پیشگویی را به یاد داشته و مقصود روایت از کسی که باعث الحاد در مکه می‌شود را عبد الله بن زبیر دانسته است!

از جهت دیگر امام علاوه بر تحذیر و هشداردهی به ابن زبیر، تلاش نمود افراد همراه و همفکران او با استماع این پیشگویی‌ها از همراهی با او دست بردارند تا از آسیب به جامعه اسلامی کاسته شود؛ اما عبدالله بن زبیر از تحذیر و هشدار و این همه تبیین و روشنگری بهره‌ای نگرفت و سرانجام طبق پیشگویی حضرت به دار آویخته شد و در قبرستان یهودیان دفن شد (قمی، ۱۳۲۵: ۱۲۶).

یکی دیگر از موارد پیشگویی، نسبت به افرادی نقل شده که از صحابی صدر اسلام بودند اما عافیت طلبی آنان زمینه عدم همراهی و یاری نسبت به امام حسین (علیه السلام) در قیام عاشورا را به همراه داشت، بنابراین امام به تحذیر و هشداردهی از او اقدام نمودند تا متنبه شوند و هوشیار باشند. از جمله این افراد براء بن عازب از اصحاب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) است. در نقلی آمده که روزی حضرت علی (علیه السلام) به براء بن عازب فرمود: «ای براء! فرزند من به شهادت مفتخر می‌شود و تو زنده هستی و او را یاری نمی‌کنی!» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳۳۲). وقتی واقعه کربلا اتفاق افتاد، براء گفت به راستی پیشگویی حضرت علی (علیه السلام) محقق شد، زیرا فرزندش شهید شد و من او را یاری نکردم؛ آن‌گاه از کار خود پشیمان شد.

۷. شناساندن عناصر ضدّ اهل بیت (علیهم السلام)

یکی دیگر از کارکردهایی که در پیشگویی امام علی (علیه السلام) ناظر به افراد ضدّ ارزشی می‌توان اشاره نمود، شناساندن عناصر ضدّ اهل بیت (علیهم السلام) بوده است. با توجه به اینکه واقعه عاشورا از فرازهای حساس تاریخ اسلام بوده است، پیشگویی امام از تاثیر و نقش آفرینی آن افراد در واقعه کربلا بوده، به نحوی که جزو فرماندهان سپاه دشمن گردیدند. بنابراین امام علی (علیه السلام) در قالب پیشگویی اقدام به انحراف و شناساندن این عناصر ضدّ اهل بیت (علیهم السلام) نمودند.

شناساندن این عناصر ضدّ اهل بیت دارای اهمیت دوچندان بود، زیرا این عناصر افرادی بودند که ادعای پیروی از امامت و ولایت داشتند اما زمینه انحراف و پیوستن به جبهه باطل در آنان وجود داشت؛ زیرا در مقابل دنیا و دلفریبی آن شکست خورده و عشق به منافع دنیوی موجب غفلت از مسیر هدایت گردید. بنابراین امام علی (علیه السلام) با توجه به نقش آفرینی این افراد در یاری رساندن به جبهه باطل، به صورت فراعصری برای دورانی هم که حضور فیزیکی نداشتند، ماهیت واقعی آنان را آشکار و تبیین کردند تا مردم جامعه به انحراف آنان پی برده و با آنان همراهی نکنند. برخی از این عناصر ضدّ اهل بیت افرادی بودند که آینده در حادثه کربلا نقش داشته و جزو فرماندهان دشمن شدند. بنابراین امام علی (علیه السلام) در قالب پیشگویی اقدام به شناساندن این عناصر ضدّ اهل بیت (علیهم السلام) کردند. به عنوان نمونه سوید بن غفلة نقل کرده است؛ خدمت امام علی (علیه السلام) بودم که مردی نزد حضرت آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین از وادی القری می‌آیم و خبر مرگ خالد بن عَزْفُطَه عُذری را آورده‌ام. حضرت فرمود: البته که او نمرده است! آن مرد کلام خود را تکرار کرد، حضرت فرمود: سوگند به آنکه جانم در دست قدرت اوست، خالد نمرده و نمی‌میرد! آن مرد برای بار سوم سخن خود را تکرار کرد و اضافه نمود که من به شما از موت او خبر می‌دهم؛ ولی شما می‌گویید نمرده است! امام علی (علیه السلام) در قالب پیشگویی فرمود: «قسم به آنکه جانم در دست قدرت اوست، خالد نمرده و نمی‌میرد تا فرمانده سپاه ضلالت شود و پرچمدار او شخصی به‌نام حبیب بن جماز باشد.» وقتی سخن حضرت به گوش حبیب بن جماز رسید، نزد امام آمد و گفت: به خدا قسم که من شیعه شما هستم، ولی شما

در باره من سخنی فرمودید که آن را در خود نمی‌یابم! حضرت فرمود: اگر حبیب بن جمار تو هستی، حتماً و قطعاً آن پرچم را به دوش خواهی گرفت! حبیب با شنیدن این پاسخ پشت کرد و رفت! ابوحمزه گوید: به خدا سوگند حبیب بن جمار زنده ماند تا اینکه در زمان قیام سیدالشهدا (علیه السلام) وقتی عمر بن سعد به جنگ با امام حسین (علیه السلام) فرستاده شد، خالد بن عرفطه از فرماندهان سپاه او بود و حبیب نیز پرچم او را بر دوش داشت. این خبر در اهل کوفه انتشار داشته و مشهود است به طوری که دو نفر از اهل آن جا این خبر را رد نکرده و منکر نمی‌شمارند. (مفید، ۱۴۱۳: ۱ ق: ۱۸۲۱) این روایت را به همین مضمون ابن شهر آشوب در «مناقب» از أبو الفرج اصفهانی در أخبار الحسن روایت کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۱: ۴۲۷). با توجه به اینکه فرمانده و پرچمدار ضلالت شدن خالد بن عُرْفُطَه و حبیب بن جمار موجب پیوستن افراد زیادی در لشکر او می‌شد، امام علی (علیه السلام) ماهیت واقعی و انحرافشان را به مردم شناساند تا فریب دشمنان حقیقی جامعه اسلامی را نخورند.

لازم به ذکر است که اطلاع رسانی، ابلاغ و تبیین از جانب امام که بُعد معرفتی و شناساندن بوده انجام گرفته؛ اما بُعد ارادی و انتخاب مسیر با افراد می‌باشد.

۸. پیامد شناسایی عدم همراهی با امام جامعه

بررسی ادوار تاریخ بیانگر این است که انسان برای تامین نیازهای خود نیازمند یک نظام اجتماعی است تا نیازهای خود را در آن نظام یا حکومت بدست آورد. برقراری نظام اجتماعی با نقش آفرینی مردم همراه است تا چه نوع نظام اجتماعی یا حکومتی در جامعه حاکم باشد. امام علی (علیه السلام) در دوران خلافت خود با مشاهده سُستی اُمت و جوامع اسلامی، در دفعات متعدد به گلایه مندی و نکوهش از بی وفایی کوفیان پرداخته و فرمودند: «خدایا! اینان از من خسته اند و من از آنان خسته؛ آنان از من به ستوده اند و من از آنان دل شکسته؛ پس بهتر از آنان را مونس من دار و بدتر از آنان بگمار» (نهج البلاغه، ۱۴۱۱ ق، ج ۱: ۹۹؛ ابن اعثم کوفی، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۶۲۵).

امام علی (علیه السلام) پس از گلابیه مندی و نکوهش کوفیان با مشاهده استمرار بی وفایی و عدم همراهی با امام، خطاب به کوفیان، پیامد و ثمره آن را روی کار آمدن افرادی از خلفای ستمگر با اقدامات ظالمانه دانسته و تلاش نمودند تا مردم بدانند اگر جامعه رهبر الهی را تنها بگذارد، در آینده گرفتار رهبران شیطانی خواهد شد. ایشان در روزهای آخر عمر شریف ضمن بیان خطبه در بی وفایی مردم کوفه فرمودند: «أَمَّا إِنَّهُ سَيُظْهِرُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي رَجُلٌ رَحْبُ الْبُلْعُومِ، مُنْدِحِقُ الْبَطْنِ يَأْكُلُ مَا يَجِدُ وَيَطْلُبُ مَا لَا يَجِدُ، فَأَقْتُلُوهُ وَلَنْ تَقْتُلُوهُ. أَلَا وَإِنَّهُ سَيَأْمُرُكُمْ بِسَبِيٍّ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۹۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۱۰۸؛ ابن کثیر، ۱۳۹۸ق، ج ۱: ۱۱۲). با توجه به اینکه رهبر جامعه اسلامی باید آراسته به کمالات اخلاقی باشد، امام علی (علیه السلام) همانند پیشگویی نبوی شکم‌بارگی و پر خوری را صفت معاویه برای جامعه بیان نموده تا امت به عنوان نشانه، ضلالت او را درک نماید. پیامد عدم همراهی با امام جامعه، شناساندن دشمنی معاویه با رویکرد آینده نگرانه در زمانی واقع شد که هنوز معاویه بر مردم جامعه تسلط نداشت تا مردم از مفاسدی که از حاکمیت معاویه سرچشمه می‌گیرد را شناخته و اتمام حجتی بر همگان باشد.

همچنین، امام علی (علیه السلام) پیامد عدم همراهی با امام جامعه را استمرار خلافت خلفای ظالم به صورت فراعصری برای نسل‌های بعدی بیان نموده و ضمن اشاره به روی کار آمدن یکی دیگر از خلفای ستمگر، با بیان اقدامات او فرمودند: «أَمَّا وَاللَّهِ لَيُسَلِّطَنَّ عَلَيْكُمْ غُلَامًا ثَقِيفًا، الذِّيَالُ الْمِيَالُ، يَأْكُلُ خَضِرَتَكُمْ وَيَذِيبُ شَحْمَتَكُمْ؛ إِيهَ أَبَا وَدْحَةَ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۷۴) ابن ابی الحدید مراد از این عبارت را حجاج بن یوسف ثقفی از قبیله بنی ثقیف بیان نموده که مردی پست، آلوده، سنگدل و خون‌خوار بود (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۲۷۷).

در نقل دیگری امام علی (علیه السلام) به فردی فرمود: «نمیری تا جوان ثقیف را دریابی.» به وی عرض کردند: جوان ثقیف کیست؟ فرمود: «مردی که روز رستاخیز به وی می‌گویید گتره‌ای از گستره‌های دوزخ را برای ما پر کن و او به تنهایی پر می‌کند. او طی بیست سال کارگزاری به تمامی گناهان دست می‌آلاید.» (ابن اثیر، ۱۳۸۶ق، ج ۴: ۵۸۷). حجاج پس از تسلط بر کوفه به بصره رفت و خطبه تهدیدآمیزی مانند خطبه کوفه ایراد کرد و

آن‌گاه به زُستُقُبَّاد رفت تا روحیه مُهَلَّب را در نبرد با خوارج تقویت کند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۳۹۵). بنابر گفته مورخان، حجاج جبار و ستمگر (ذهبی، ۱۴۲۷ق، ج ۴: ۳۴۳) کافر (ابن عبدربه، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۴۲) فاسق (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۸۴) دروغ‌گو و خبیث (ذهبی، ۱۴۲۷ق، ج ۴: ۳۴۳) بود. حجاج در پاسخ به نامه عبدالملک، خود را آدمی لجوج و حسود و کینه‌توز وصف کرده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲: ۱۶۷).

علاوه بر این، مورد دیگر پیشگویی ناظر به افراد در مورد مروان بن حکم، یکی دیگر از خلفای ستمگر بیان شده است. امام ضمن بیان خطبه به پیشگویی از حکومت او پرداخته و فرمودند: «از طرفی حکومتش کوتاه است، همچنین پدر چهار فرمانروای ستمگر است که امت اسلام از دست او و پسرانش روزگار خونینی خواهند داشت!» (نهج البلاغه، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۰۲). در کارکرد این پیشگویی می‌توان به این نکته اشاره کرد که حضرت در برهه زمانی مختلف پیامد عدم همراهی با ولیّ خدا را برای کوفیان عصر خود و سایر اعصار تبیین کردند تا عاقبت عدم همراهی با امام جامعه اسلامی را بدانند. همچنین امام به حکومت کوتاه اما سراسر گرفتاری و خونین امت اسلامی که از به قدرت رسیدن خاندان مروانی، حاصل می‌شود، اشاره نمود تا اتمام حجتی باشد و مردم این آینده شوم را بیشتر و بهتر لمس کنند. اگر جامعه اسلامی از این همه تحذیر و هشدار حضرت درس گرفته و به بصیرت رسیده بودند جلوی بسیاری از فجایع گرفته شده بود، زیرا در مورد همین پیشگویی امام، در طول حکومت خاندان مروانی، بنابر نقل طبری تعداد کسانی که توسط حجاج کشته شدند، بالغ بر ۱۳۰ هزار نفر بوده است (طبری، ج ۶: ۳۸۲). بنابراین امام علی (علیه السلام) در فرآیند هدایت‌گری امت، ثمره و پیامد عدم همراهی با امام جامعه را روی کار آمدن خلفای ستمگر در اعصار مختلف با اقدامات ظالمانه بیان فرمودند.

نتیجه گیری

یکی از ابزارهای هدایتی که امام علی (علیه السلام) نسبت به افراد مختلف از آن بهره جست، در قالب پیشگویی و ناظر بر عملکرد افراد ارزشی و ضد ارزشی بوده است. ایشان در صدور

پیشگویی‌ها کارکردهای مختلفی را دنبال و برای هدایت جامعه استفاده کردند. گفتارهای صادرشده از امام بیانگر ابزارهای الهی امامت مانند علم لدنی به عنوان منبع پیشگویی در راستای شأنیت رهبری و مرجعیت دینی و اهداف جایگاه امامت بوده است. بررسی پیشگویی‌ها موجب شده از طرفی حجم و گستره تمایز علم امام با صحابه و خلفا، همچنین درک اختصاصات ایشان در هدایت انسان‌ها و جوامع آشکار شود. بنابراین با توجه به نقش آفرینی افراد در حوادث گوناگون، رهبر جامعه اسلامی با آینده نگری تلاش نمود از آسیب فردی و اجتماعی پیشگیری کند و به هدایت‌گری پیروان و مخالفان پردازد تا از طرفی افراد ارزشی آمادگی مشکلات آتی را داشته و افراد ضد ارزشی با تحذیر و هشدار دهی فرجام اعمال خود را بدانند؛ همچنین جامعه اسلامی از نقش آفرینی اجتماعی خود غافل نشوند و دشمنان اسلام و افراد ضلالت‌گر را با اوصاف و اقداماتشان بشناسد، در اسلام مداری ثابت قدم بمانند تا به هدایت دست یابند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۴۱۱ق). گردآورنده: سید رضی. محقق: صبحی الصالح. بیروت: دارالکتب اللبنانی.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۶ق). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر.
- _____ (۱۴۱۵ق). أسد الغابة فی معرفة الصحابة. محقق: علی محمد معوض، عادل أحمد عبد الموجود. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن اعثم کوفی، احمد (۱۴۱۱ق). الفتوح. محقق علی شیری. لبنان: دارالاضواء.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق). عیون اخبار الرضا. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- _____ (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. چاپ دوم. قم: انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۷ق). امالی. قم: مؤسسه البعثة.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). مسند الامام احمد بن حنبل. قاهره: دارالحديث.
- ابن سعد بن منیع بغدادی، محمد (۱۴۱۰ق). الطبقات الکبری. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب. مصحح آشتیانی و رسولی. قم: علامه.
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف (۱۴۱۲ق). الاستیعاب فی معرفة الأصحاب. بیروت: دارالجلیل.
- ابن عساکر، ابوالقاسم (۱۴۱۵ق). تاریخ مدینه دمشق. بیروت: دارالفکر.
- ابن کثیر، عمادالدین (۱۳۹۸ق). البداية و النهایة. بیروت: دارالفکر.
- ابن عبدبر، احمد (۱۴۰۷ق). العقد الفرید. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). کشف الغمّة عن معرفة الاثمه. تبریز: بنی هاشمی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). أنساب الأشراف. بیروت: دارالفکر.
- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵ق). الغارات. تهران: انجمن آثار ملی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- حمصی رازی، سدید الدین (۱۴۱۲ق). المنقذ من التقليد. قم: النشر الاسلامی.
- خوئی، ابوالقاسم (بی تا). معجم رجال الحديث. قم: موسسه الخوئی الاسلامیه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷). لغت نامه. چاپ پانزدهم. تهران: روزنه.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۷۳ق). أخبار الطوال. قم: منشورات الشریف الرضی.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ق). تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر و الأعلام. بیروت: دارالکتب العربی.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح. قم: مؤسسه امام مهدی (علیه السلام).
- صفدی، صلاح الدین (۱۴۲۰ق). الوافی بالوفیات. بیروت: دار احیاء التراث.
- طبرسی نوری، اسماعیل (بی تا). کفایه الموحیدین فی عقاید الدین. تهران: علمیه اسلامیه.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج. مشهد: مرتضی.

(علیرضا جانعلی زاده چناری)

- طبری، محمد بن جریر. (بی تا). تاریخ الامم والملوک. بی تا: بی جا.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۴۱ق). دلائل الامامه. قم: بعثت.
- عمید، حسن. (۱۳۴۲). لغت نامه. تهران: امیرکبیر.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۲۵). تتمه المنتهی فی وقایع ایام الخلفا. چاپ دوم. قم: کتابخانه مرکزی.
- القندوزی، سلیمان بن ابراهیم. (۱۴۱۶ق). ینابیع الموده لندی القریبی. قم: اسوه.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۳۸۲ق). اختیار معرفه الرجال. قم: مؤسسه آل البیت.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۴۲). الکافی. تهران: المكتبة الاسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مسعودی، علی بن الحسین. (بی تا). التنبیه والاشراف. مصر: دارالصاوی.
- _____ (۱۳۸۴). اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام). چاپ دوم. قم: انصاریان.
- _____ (۱۴۰۹ق). مروج الذهب ومعادن الجواهر. بیروت: دارالهجره.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). مجموعه آثار. چاپ هجدهم. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۹۰). سیری در سیره نبوی. چاپ شصت و ششم. تهران: صدرا.
- معین، محمد. (۱۳۷۹). لغت نامه. چاپ یازدهم. تهران: سپهر.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
- نراقی، احمد. (۱۳۸۰). خزائن. قم: قیام.
- نجفی یزدی، محمد. (۱۳۷۹). پیشگویی‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام). قم: سید جمال الدین اسدآبادی.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج. (۱۴۲۴ق). صحیح مسلم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- واصل، محمد جعفر. (۱۳۸۹). پیشگویی‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) از حوادث و فتنه‌ها. تهران: مهردادان.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۴۲۲ق). تاریخ یعقوبی. بیروت: دارصادر.